

بررسی جهان‌شناختی حجاب در ساختار اسماء‌الله از منظر آیات و روایات

رضا فیروزی*، فهیمه فرهمندپور**

چکیده: بحث از مسائل بنیادی جنسیت و احکام مرتبط با آن می‌تواند عالمان دین‌پژوه را در یافتن درکی عمیق‌تر و تحلیلی صحیح‌تر از حقیقت آموزه‌های دینی یاری رساند. مسئله حجاب در آموزه‌های اسلامی از ابعاد و اضلاع مختلفی کاویده شده است. در این نوشتار، حقیقت ملکوتی حجاب در ساختار اسمای الهی تحلیل شده است. روی آورد مقاله درون‌دینی و به لحاظ گونه‌شناسی^۱ تبیینی است. پس از بررسی اجمالی ساختار اسمای الهی و رابطه آن با حقیقت انسان، این حقیقت مکشوف گردید که حجاب به مثابه یکی از آیات الهی در قرآن، تجلی اسمی از اسماء‌الله در عالم امکان بوده و در قوس نزول، معنای ملکوتی آن به شکل پوشش مورد نظر شرع مقدس ظهور کرده است. از قیل همین معنا معلوم می‌شود، زن مشرف به کمالی خاص در ظهور بعدی از ابعاد بی‌کران اسم‌الله "الباطن" شده است. پیامد همین رهیافت، مباحثی چون غیرت و حکمت حفظ حریم خانواده توسط مرد و پاسداشت غیرتمندانۀ آن در احکام الهی نیز معنایی عمیق می‌یابد.

کلید واژگان: اسمای الهی، جایگاه زن در قرآن، جهان‌شناسی حجاب، خلافت الهی انسان.

مقدمه و طرح مسئله

یکی از مهم‌ترین مباحث فلسفی - کلامی و تفسیری، مسئله خلافت الهی انسان و مباحث پیرامونی آن است. دلیل این مدعا آن است که تمام آیات قرآن در متعالی‌ترین اهدافشان، به بار نشستن خلافت الهیه را در حقیقت وجود انسان تعقیب می‌کنند [نک: ۱۲، صص ۱۷-۳]؛ لذا، انسان‌شناسی قرآن دارای ساختاری است که انسان را در نظام آفرینش و مراتب مخلوقات در جایگاه ویژه‌ای می‌نشانند و به لحاظ جهان‌شناختی^۲ به منزلتی رفیع می‌کشاند. در این میان، مسئله جنسیت و توابع آن به لحاظ کارکردهای

dr.firouzi@umsu.ac.ir

farahp@ut.ac.ir

* دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۶/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۹/۲۱

1. typology

2. cosmological Perspective

ویژه و نقشی که در سرنوشت شخص ایفا می‌کند، حائز اهمیت می‌شوند و معانی خاص به تن می‌کنند. از جمله این مسائل، در حوزه تجلیات وجود زن در نظام اسمای الهی، جهان‌شناسی حجاب است. با توجه به اینکه موضوع حجاب در آیاتی از کلام الهی متجلی شده، معنایی عمیق یافته و شایسته تحقیق و تبیین شده است.

در این مقاله، مسئله حجاب نه به‌عنوان یکی از مسائل حقوق فردی و یا اجتماعی، بلکه در ساختار تجلیات الهی در عالم تکوین و شئون مختلف آن در عالم تشریح و در راستای خلافت الهی انسان بررسی می‌شود. این مقاله، با روی‌آورد درون‌دینی و با تفسیر آیات و روایات مرتبط و با استفاده از نظر عرفا و فلاسفه اسلامی به تحلیل و تبیین مسئله حجاب در ساختار اسمای الهی می‌پردازد. مسئله کانونی در این پژوهش، تحلیل معنای حجاب با توجه به تجلی اسمایی در نظام آفرینش است. پرسش مورد نظر از منظر انواع مسائل، جهان‌شناختی است و مقدمه‌ای مهم بر حوزه مسائل انسان‌شناسی دینی محسوب می‌شود.

حقیقت انسان در پرتو اسماء

آنچه به‌عنوان عصاره هویت‌شناسی انسان - که از اهم مباحث انسان‌شناسی است - در آیات شایسته تأمل است، آیه زیر از سوره مبارکه بقره است:

و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: «من گمارنده جانشینی در زمین هستم»، [فرشتگان] گفتند: «آیا در آن کسی را می‌گماری که فساد انگیزد، و خون‌ها بریزد؟ و حال آنکه ما با ستایش تو، [تو را] تنزیه می‌کنیم و خود را برای تو پاک ساخته‌ایم.» فرمود: «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید»^۳.

نکاتی برجسته و قابل بحث جدی در باب هویت انسان در این آیه وجود دارد که مفسران، عرفا و فلاسفه به برخی آن موارد توجه کرده‌اند. لذا، به مواردی خاص که بتواند مطلوب را حاصل کند، اشاره می‌شود:

الف) جانشینی: در اینجا چند نکته حائز اهمیت و شایسته پژوهش است: جانشینی انسان در ساختار جنسیتی او چگونه نقش‌آفرینی می‌کند؟ در این نقش‌آفرینی، زن چه وظیفه‌ای را عهده‌دار است؟

^۳ «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ.» (بقره / ۳۰).

بررسی جهان‌شناختی حجاب در ساختار اسماء‌الله از منظر آیات و روایات ۷

حجاب زن در منظومه وجودی او - نه به اعتبار نقش اجتماعی - بلکه، به اعتبار کمال وجودی خود او چه نقشی دارد؟ حجاب زن با مختصات ویژه‌اش که آن را از مطلق حجاب (به معنای پوشش عیفانه که مختص زنان نیست) جدا می‌کند، چگونه با حقیقت او در آمیخته و نه امر عرضی که ذاتی او گردیده است؟ [بحث اصلی مقاله حاضر]

ب) علم به اسماء: «و [خدا] همه [معانی] نام‌ها را به آدم آموخت، سپس، آن‌ها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود: «اگر راست می‌گویید، از اسامی این‌ها به من خبر دهید»^۴.
حقیقت انسان با حقیقت اسماء در آمیخته است. با این حال، تحقیق در حقیقت اسماء در حوصله و ارتباط مستقیم این مقاله نیست؛ اما، آنچه در این آیه به تقریر بحث حاضر کمک می‌کند آن است که مسئله تعلیم اسماء بلافاصله پس از طرح خلیفه‌شدن انسان مطرح می‌شود. گرچه، خداوند نظر فرشتگان را در مورد ویژگی‌های لازم برای خلیفه‌شدن که همان تسبیح و تحمید و تقدیس و عدم فساد و خون‌ریزی است، انکار نکرد؛ اما این ویژگی‌ها کفایت نمی‌کرد که فرمود: «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید»^۵. بر پایه این مطلب، سؤال اصلی پژوهش این است: حجاب در تجلی اسمایی در قوس نزول، به اعتبار ظهور دنیوی آن و نیز در قوس صعود به اعتبار ملکوت و کمال مطلوب آن، چگونه نقش‌آفرینی زنانه زن را پوشش می‌دهد؟ با فرض اینکه در نظام عالم امکان، هر آنچه لباس هستی به تن کرده مظهر نامی از نام‌های خداست و در حقیقت، موجودات تجلی اسمای خدایند. بنابراین، حقیقت زنانه زن و آنچه در آیات الهی بر او وضع شده در این ساختار قابل تقریر خواهد بود^۶. برای پاسخ به سؤال فوق چند محور بنیادین نیازمند تقریر و تبیین است.

^۴ «و عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.» (بقره / ۳۱).

^۵ «قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره / ۳۰).

^۶ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنْجَلِيِّ لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ وَ الظَّاهِرِ لِقُلُوبِهِمْ بِحُجَّتِهِ»

حمد و سپاس خدایی را که به‌خاطر آفرینش آفریده‌هایش برای خلایق آشکار است. و هستی وی با دلایل روشن بر دل‌های آن‌ها ظاهر و نمایان می‌باشد. فیض‌الاسلام، خطبه ۱۰۷ [نک: ۱۳، ص ۱۹].

آیات قرآن جلوه خدا بر انسان

هر آنچه در آیات قرآن جلوه‌گری کند، دلالت بر وجود حقیقت علوی و آسمانی آن است. آیات قرآن تجلی حق بر بندگانش بوده^۷ و هر یک از آیات آن مرتبه‌ای از بهشت است^۸. معنای این سخن آن است که با پاسداشت آن آیه و عمل به آن، کمالی از کمالات بالقوه انسانی و اسمی از اسمای الهی به فعلیت می‌رسد و در عالم پس از مرگ، در قالب مرتبه‌ای از بهشت تجسم می‌یابد. از سویی دیگر، معلوم شد که حقیقت وجود انسان، همان "اسماء الله" است و کمال حقیقی و نهایی او، فعلیت اسمای الهی است. بر مبنای این دیدگاه، خدای متعال نه در ذات بلکه در اسماء و صفات است که بر بندگانش رخ می‌نماید و معرفت‌پذیر می‌شود. بنابراین، اگر آیات الهی تجلی خدا بر بندگانش است، آیات حجاب نیز جلوه‌ای از تجلیات حضرت حق بوده و در ساختار اسمایی، تقریرپذیر خواهد بود. به عبارت دیگر، حجاب در ساختار جهان‌شناسی قرآن جایگاهی رفیع می‌یابد و شایسته تبیین ربط و نسبت آن با موجودی خواهد بود که برای او (وجود زنانه زن) نازل شده است.

به اعتبار نظام اسماء، انسان کامل مظهر تمامی اسماء است و وجود نورانی نبی مکرم اسلام(ص)، مصداق تام و تمام و اعلائی ظهور اسم "الله" که مستجمع جمیع کمالات است؛ لذا، وجود نورانی آن حضرت معلّم به تمام آیات الهی و جامع تمام معارف قرآنی است [نک: ۱۰، ص ۱۸۸]. هدف آیات قرآن کریم - به مثابه کامل‌ترین مظهر این اسماء^۹ در قالب یک برنامه جاودانه - به فعلیت رسانیدن استعداد تمام اسمایی است که در انسان به ودیعه نهاده شده است^{۱۰}. به همین دلیل، ابن عربی در فص محمدی(ص)، نبی مکرم اسلام(ص) را شامل تمام کلیات و جزئیات می‌داند [۲۳، ص ۳۷]. لذا، حجاب در دین محمدی(ص) به اعتبار تشریح آن در قرآن، جلوه‌ای از تجلیات اسماء الله بوده و بیانگر حقیقتی از اسماء و صفات الهی است. از سویی چون خلافت الهی انسان و کمال حقیقی او به ظهور اسماء الله محقق می‌شود، می‌تواند در سایه هر اسم «خلق فریشتگی» [۱۶، ص ۱۴] یابد و در نهایت از ملک جست زده و

^۷ امام صادق(ع): «لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لِخَلْقِهِ فِي كَلَامِهِ وَ لَكِنَّهُمْ لَا يُبْصِرُونَ.» خدا در کلام خود (قرآن) بر خلقش ظهور یافته، اما مردم [با بصیرت و تأمل] نمی‌نگرند [۲۱، ص ۸۹، ۱۰۷].

^۸ فَإِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى قَدْرِ عَدَدِ آيَاتِ الْقُرْآنِ - فَيَقَالُ لِقَارِيءِ الْقُرْآنِ أَفْرَأَ وَ أَرْقَأَ [۱۴، ص ۶، ۲۳۴].

^۹ وَ قَالَ الصَّادِقُ ع لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ لِخَلْقِهِ فِي كَلَامِهِ وَ لَكِنَّهُمْ لَا يُبْصِرُونَ [۲۱، ص ۸۹، ۱۰۷]. امام جعفر صادق(ع) فرمودند: تحقیقاً خداوند متعال در کلام خود برای بندگانش ظهور یافته، اما مردم بصیرت ندارند.

^{۱۰} «وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره ۳۱).

بررسی جهان‌شناختی حجاب در ساختار اسماء‌الله از منظر آیات و روایات ۹

فراتر از وهم شود تا مسجود ملایک گردد. در واقع، همین اسماء در حقیقت آدمی‌اند که مسجود واقع می‌شوند نه هیأت مادی او^{۱۱}. بنابراین، ظهور هر اسم اگر متناسب با جنسیت انسان ظهوری خاص یابد، آثار کمالی خاص خود را در آن جنس به نمایش خواهد گذاشت و اگر حجاب - به معنایی که گفتیم - در قرآن کریم برای زن وضع شده باشد پس ذاتی او و جزء لاینفک وجود او در قوس نزول و تعیین او در قالب و هویت زنانه خواهد بود و ظهور کمال زنانه او نیز در پرتو حفظ ظاهری و باطنی این تجلی محقق می‌شود. گرچه، برخی از متقدمان و متأخران قائل شده‌اند انسان به اعتبار حقیقت وجودی‌اش و قبل از تعیین در عالم ماده به ذکورت و انوئت متصف نمی‌شود [۴، صص ۸۷-۳؛ ۱۳، صص ۲۵۶-۳۹]^{۱۲}.

بر اساس نظریه حرکت جوهری، سیر کمالی هر انسانی از قوس نزول به سوی آن حقیقت متعالی با ابزار مادی و بدن جسمانی صورت می‌پذیرد. این ابزار (جسم مادی) اقتضات خود را داشته و با بروز حالات و رفتارهای خاص و انجام تکالیف متناسب با جنسیت، در کمال او و رشد آن حقیقت مجرد، نقش‌آفرینی می‌کند؛ مانند جهاد در صحنه رزم برای مردان و حسن همسرداری برای زنان^{۱۳}. تفاوت کارکردهای متفاوت زنانه و مردانه نیز به همین اعتبار بروز پیدا می‌کنند. به همین دلیل، آموزه‌های دینی، وظیفه سکنداری عاطفه را که منجر به بروز آرامش در محیط خانه می‌شود به عهده زن گذاشته و مدیریت امور سخت را از وظایف مردانه شمرده است^{۱۴} و هنر زنانه و مردانه در آن هنگام بیش‌تر رخ می‌نماید که هر کدام از این دو جنس به تناسب کمال شایسته خود ایفای نقش کنند. لذا، بروز رفتارهای مردانه و

^{۱۱} جمله دیگر بمیرم از بشر تا بر آرم از ملایک بال و پر
و ز ملک هم بایدم جستن ز جو کُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ
بار دیگر از ملک قربان شوم آن چه اندر وهم ناید آن شوم (مثنوی معنوی دفتر سوم، ص ۵۱۲، بیت ۳۹۰۱)
وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى (طه / ۱۱۶).

^{۱۲} البته نظرات دیگری در این حوزه مطرح است. برای کسب اطلاعات بیش‌تر [رک: ۱۴] ویراسته هادی صادقی، مقالات حجج اسلام مرتضی جوادی آملی، غلامرضا فیاضی، آیت الله مصباح یزدی. گرچه، بحث مذکور در تقریر هدف مقاله مفروغ-عنه است و ملاحظه هریک از دو دیدگاه، مستقیماً موضوع مورد بحث را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، اما ملاحظه دیدگاه‌های مطروحه در کتاب مذکور، شایسته تأمل است.

^{۱۳} ... قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى الرَّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَجِهَادُ الرَّجُلِ بَدَلُ مَالِهِ وَ نَفْسِهِ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ جِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أَدَى زَوْجِهَا وَ غَيْرَتِهِ. خداوند جهاد را بر مردان و زنان واجب گردانیده، پس جهاد مرد بذل مال و جان‌ش است تا در راه خدا به شهادت برسد و جهاد زن آن است که بر ناراحتی‌ها و غیرت مرد صبوری پیشه کند. و جهاد المرأة حُسن التَّعَلُّلِ. جهاد زن نیکو همسرداری کردن است [۲۰، صص ۵، ۹].

^{۱۴} فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ أَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ [۲۰، صص ۵، ۱۰].

زنانه برای مرد و زن به طور خاص، فضیلت همان جنس محسوب می‌شود و تابعی از جنسیت و عالم ماده خواهد بود، اما پر واضح است که همین حرکت کمالی عالم ماده و متناسب هر جنس، روح را بر کمال شایسته‌ای می‌نشانند که سزاوار همان جنس است. تمامی این موارد، نقش‌هایی هستند که بر مبنای خصوصیات و کارکردهای جسمانی هر جنس و به تناسب ویژگی‌های ظاهری، ترشح هورمون‌های مختلف و میزان آن‌ها سازماندهی شده است؛ به‌عنوان نمونه، نقش هورمون پرولاکتین علاوه بر تولید شیر، در بروز سایر رفتارهای مادرانه مورد توجه متخصصان قرار گرفته است. مسئله حجاب نیز که موضوع اصلی این بحث است، تابعی از همین معناست. حتی اگر قائل به نظر کسانی باشیم که حقیقت انسان را به ذکوریت و اناثیت متصف نمی‌دانند، این تغایر وظایف با آنچه از لوازم مدعیات ایشان است، به دلیل تفاوت اعتبار تعارضی نخواهد داشت. آنچه از این بحث به دست می‌آید آن است که جلوه‌ای از اسم خاصی از اسماء در موجود خاصی فعلیتی می‌یابد که در موجود دیگر (جنس دیگر) همان ظهور را نخواهد داشت و ظهور آن اسم سبب کمالی در جنس مورد نظر خواهد شد که برای غیر او در همان شکل مفروض نیست. دلیل این تجلی یا عدم آن، به دو نحو قابل تقریر و بحث است: نظام آفرینش و تکوین آن موجود اقتضای چنین تشریحی را دارد و یا بالعکس^{۱۵}.

جان‌شینی انسان در ساختار جنسیتی و نقش آفرینی زن در نظام اسماء الله

همان‌طور که پیش‌تر بحث شد، آنچه در نظام آفرینش انسان به‌عنوان طریق کمال ترسیم شده است، به فعلیت رسانیدن اسماء از حالت استعداد به فعلیت است. گرچه، حقیقت وجود انسان روح اوست، اما قدر متیقن آن است که جسم و ویژگی‌های جسمانی به‌عنوان ابزار حرکت روح، نقش آفرینند؛ لذا، حالات و خصوصیات جسمانی مردانه و زنانه در طی این طریق و کسب کمال خاص آن جنس در روح، مؤثر خواهند بود.

آنچه در عالم شهادت جلوه نموده و عرفاً آن را فیض مقدس^{۱۶} نام نهاده‌اند، تحقق اعیان در صورت‌های محسوس است [۶، ص ۶۵]. زن در جلوه جمالیه حق، بروز و فعلیت می‌یابد و اقتضات آن اسم را بیش از

^{۱۵}. این مسئله در مقاله مستقلی قابل بحث است.

^{۱۶}. وقتی اعیان از علم الهی و از حالت بالقوه بودن به منصه ظهور در عالم می‌رسند و تحقق عینی می‌یابند و در صورت‌های محسوس آشکار می‌شوند، این تجلی را فیض مقدس در مقابل "فیض اقدس" نام نهاده‌اند.

بررسی جهان‌شناختی حجاب در ساختار اسماء‌الله از منظر آیات و روایات ۱۱

جنس مرد به همراه دارد. گرچه، چون عالم از اوست و او زیباست^{۱۷} و چون همه اسمای او جمیلند^{۱۸} بنابراین، همه عالم زیباست و همه جمال او جمیل. به تعبیر سعدی شیرازی:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست
اما اسمای الهی به نام‌های متفاوتی نامیده می‌شوند، گرچه همه اسمای الهی اسمای حسنایند: «و نام‌های نیکو به خدا اختصاص دارد، پس او را با آن‌ها بخوانید...»^{۱۹} و «چون خدا بسیط الحقیقه است و هیچ‌گونه کثرت و تعدد در او راه ندارد، لذا اوصاف ذاتی وی عین ذات او بوده چنان‌که عین هم‌اند. بنابراین، اسمای حسنا‌ی او همگی آیت همان ذات یگانه و یکتاست، یعنی هر اسمی همه کمال‌های ذاتی و وصفی و فعلی را به همراه دارد و تفاوت نام‌های الهی فقط در ظهور و خفای کمال‌هاست. هر اسمی واجد تمام کمال‌های الهی بوده و مظهر همه آن‌هاست، لیکن در ظهور و خفای آن کمال‌ها بین اسماء اختلاف است. بنابراین، مظهر هر نامی کمال‌های اسمی دیگر را داراست، گرچه فعلاً کمال‌های مزبور در او ظهور ندارد.» [۱۳، ص ۲۳]. بنابراین، زن در جلوه اسمای جمال، ظهور و فعلیتی دارد که مرد ندارد و مرد در جلوه اسمای جلال بروزی دارد که زن ندارد. این تقسیم‌بندی به اعتبار ویژگی‌های زن و مرد در خلقیات و بروز صفات زنانه و مردانه معنا می‌یابد. برخی عرفا، تفاوت این تجلیات را چنین تشریح کرده‌اند: «قسم دویم از تجلیات «تجلی صفات» است و علامت آن اگر ذات قدیم به صفات جلال تجلی کند - از عظمت و قدرت و کبریا و جبروت - خشوع و خضوع بود: «إِذَا تَجَلَّى اللَّهُ لشيءٍ، خضع له»، و اگر به صفات جمال تجلی کند - از رأفت و رحمت و لطف و کرامت - سرور و انس. و معنی این نه آن است که ذات ازلی تعالی و تقدس به تبدل و تحول موصوف بود تا وقتی به صفت جلال متجلی شود و وقتی به صفت جمال. ولکن بر مقتضای مشیت و اختلاف استعدادات گاهی صفت جلال ظاهر بود، و صفت جمال باطن و گاهی بر عکس.» [۹، ص ۱۱۶].

^{۱۷}. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَنْزَلَ النَّعْمَةَ عَلَى عَبْدِهِ [۲۰، صص ۴۳۸-۴۳۹].

^{۱۸}. دعای سحر امام سجاد (ع) مملو از این مفاهیم عالیه است: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَ كُلِّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلَّهُ.

^{۱۹}. وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا (اعراف/۱۸۰).

این تجلیات صور گوناگونی به خود می‌گیرند و کارکردها و نقش آفرینی‌هایی در حیات بشری می‌کنند که نظام حیات انسانی به آن‌ها قوام و دوام می‌یابد و کمال هر جنسی به آن معنا پیدا می‌کند و می‌تواند بستر معنا کردن آیاتی باشد که کارکردها و تفاوت‌های جنسیتی این دو جنس را بیان کنند.

اگر زن به‌عنوان جلوه صفات رحمت الهی به مثابه مظهر اسمای جمال مورد بحث است، ویژگی‌های اسمای جمال بر او بارزتر خواهد بود. لازمه جمال، خودنمایی، ظهور و دلربایی است. چنان‌که عرفا، محبت را که از بارزترین جلوه‌های صفات جمال است، دلیل بر تحقق و ظهور عالم خلقت گرفته و حدیث معروف قدسی کنز را حاکی از آن دانسته‌اند.^{۲۰} چنان‌که، عالم که وجه خداست، خود را به زیبایی تمام آراسته و آشکار نموده است. اما نه تنها این جمال، تجلی همه آن جمال جمیل مطلق، که ذره‌ای از آن هم نیست؛ بلکه در حد مجازی است که می‌تواند بر محرم و نامحرم آشکار شود و مصداق نمادین تعبیر قرآنی است که می‌فرماید: «آن زیورهایی که طبعاً از آن پیداست»^{۲۱}. جمال در حالت متعارف، تمایل به جلوه‌گری دارد، اما، آنچه زیبایی را به پرده می‌برد، تمنای صفات جلالیه از صفات جمالیه است و پیامد همین تمناست که حیا معنا می‌یابد و جمال و زیبایی پرده‌نشین می‌شود و حجاب، صاحب جمال را به پس پرده غیب می‌کشاند. اما این پرده‌نشینی دائمی نیست؛ اگر کسی شایستگی قرب بیابد به همان میزان، حجاب‌ها بر او مکشوف می‌شود و زیبایی آن جمال جمیل مرحله به مرحله رخ می‌نماید و سالک مقرب به آن مرتبه از جمال که متناسب با محرمیتش باشد، بار می‌یابد. این صعود تا به آنجا می‌رسد که دیگر جز یک تن، کسی در آن مقام اجازه ورود ندارد. چنان‌که حبیب اله العالمین فرمود: «مرا با خدا مقام و منزلتی است که

^{۲۰} و الهیتمان إنما يحصل من إفراط العشق، و هو من إفراط المحبة، و هی أصل الإيجاد و سببه، كما قال تعالی: «كنت کنزاً مخفياً، فأحببت أن أعرف» [۱-] إلخ [۱۹، ص ۵۶۹].

^{۲۱} وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى خُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (نور/۳۱). و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید.

بررسی جهان‌شناختی حجاب در ساختار اسماء‌الله از منظر آیات و روایات ۱۳

به آن مقام نه ملک مقربی راه دارد نه نبی مرسل و نه بنده‌ای که خدا قلبش را به ایمان آزموده [و او موفق بوده] است [۲۱، صص ۱۸-۳۶۰]^{۲۲}. پس هر که محرم‌تر، زیبایی‌های جمال بر او گشوده‌تر است، تا به مقام یگانگی و انحصار برسد. در آن مقام، حتی نفس خود آن حضرت(ص) نیز از نفسش در خفاست^{۲۳}. چنان‌که این رابطه (انحصار در خلوت محرمیت) در موجودی که جلوه جمال حق است، هویداست؛ آنجا که می‌فرماید: «و زینتشان را جز برای همسرانشان آشکار نمی‌کنند»^{۲۴}. و به‌نظر می‌رسد، تقدّم مقام همسر بر سایر محارم، به‌دلیل شدت و وسعت محرمیتی است که در حیات همسری یک زن قابل مشاهده است؛ هم چنان‌که تقدّم مقام نبوت نبی‌خاتم(ص) بر سایر انبیای الهی حاکی از مقام منحصر به فرد ایشان در مقام قرب الهی است؛ لذا در منزلت ایشان(ص) فرمود: «ما به تو وحی کردیم و به نوح و پیامبران بعد از او...» در این آیه به لحاظ جنبه بلاغی تقدّم وجود نبی مکرم(ص) موضوعیت دارد و متأسفانه برخی مترجمان در ترجمه خود به آن دقت کافی مبذول نداشته‌اند^{۲۵}.

در نظام قرب الهی زیبایی‌های باطنی را تنها برای محرمان درگاه ربوبی می‌گشایند و اسرار عالم بر نامحرمان خاموش است.

ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم	با شما نامحرمان ما خامشیم
چون شما سوی جمادی می‌روید	محرم جان جمادان چون شوید
از جمادی عالم جان‌ها روید	غلغل اجزای عالم بشنوید
فاش تسییح جمادات آیدت	وسوسه تاویل‌ها نریایدت

(مولوی، ابیات ۱۰۲۱ - ۱۰۱۹)

^{۲۲} قال صلی الله علیه و آله: لی مع الله وقت لا یسعی ملک مقرب و لا نبی مرسل.

^{۲۳} قوله صلی الله علیه و آله: نبی مرسل، نکره فی سیاق النفی فلا یسعه نفسه لیصیر فی ذلك الوقت، فإشار الی خفاء نفسه عن نظر نفسه فضلا عن خفاء غیره عن نظر بصیرته البالغه الی درجه لا یتصور فوقها، كما قال تعالی: فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ. [۱۵، صص ۳، ۴۰۱].

^{۲۴} «و لا یُبدین زینتھنّ إلاّ لیؤلّیھنّ» (نور/همان)

^{۲۵} «إنا أوحینا لیک كما أوحینا الی نوح و النبیین من بعده و أوحینا الی ابراهیم و اسماعیل و إسحاق و یعقوب و الأنباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان و آتینا داود زبوراً. (نساء/۱۶۳) ما هم چنان‌که به نوح و پیامبران بعد از او وحی کردیم، به تو [نیز] وحی کردیم و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان [نیز] وحی نمودیم، و به داوود زبور بخشیدیم. (ترجمه فولادوند) البته برخی مانند مرحوم فیض‌الاسلام، کاویان پور، مرحوم آیت الله مشکینی، مصباح زاده، معزی، آیت الله مکارم شیرازی و بسیاری دیگر این تقدم را در ترجمه خود مراعات نموده‌اند.

او نه ظاهر زینت کرده به نامحرمان می‌گشاید و نه زیبایی اسرار باطن.

بس نهان از دیده نامحرمان لیک بر محرم هویدا و عیان
یا الهی، سُرَّرتُ أبصارنا فاعف عنا اثقلت اوزارنا

(مولوی، دفتر اول، بیت ۳۳۰۷)

نورالدین عبدالرحمن جامی، در اصل دهم، اسماء را به چهار قسم تقسیم می‌کند و می‌نویسد: «اسماء به نوعی چهار اسم‌اند و آن‌ها؛ اول و آخر، ظاهر و باطن‌اند و این‌ها را دو اسم جامع «الله» و «الرحمن» جمع کنند: «قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (اسرا/۱۱۰) بگو: «خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، برای او نام‌های نیکوتر است.» پس این دو اسم را اسماء حسنی است که داخل حیطة این دو اسم می‌باشند. بنابراین، هر اسمی که مظهر آن ازلی یا ابدی باشد، ازلیت آن از اسم اول است و ابدیتش از اسم آخر و ظهورش از اسم ظاهر و بطونش از اسم باطن؛ لذا اسم‌هایی که متعلق به ابداع و ایجادند داخل اسم «اول» و اسم‌هایی که متعلق اعاده و جزایند [هستند] داخل اسم «آخر» و اسم‌هایی که تعلق به ظهور و بطون دارند داخل اسم «ظاهر» و اسم «باطن» باشند و اشیاء از این چهار که ظهور و بطون و اولیت و آخریت باشند، خالی نیستند.» [۱۸، ص ۶۱].

حجاب و غیرت الهیه

بر اساس مطالب پیش گفته، زن جلوه جمال الهی و ظهور صفات جمیل اوست. جمال در ذات خود تمایل به ظهور و تجلی دارد و ذاتاً پوشیدگی ندارد. چنان‌که فرمود: خدا نور آسمان‌ها و زمین است^{۲۶} و اصل و اساس موجودات محبت است [۵، ص ۲۱۴] و محبت که تجلی جمال حق است، مورد تمنای صفات جلال و تجلیات اوست. این تمناست که آن تجلی را به خاطر ظهور حیا به خفا می‌برد و پرده‌نشینی می‌کند و هرچه آن تمنای نامحرمانه‌تر، این پوشیدگی بیش‌تر است و این غیرت جلالیه است که زیبایی و جمال را پوشیده می‌خواهد و در پرده می‌خواندش. «خدا با غیرت است و دوست‌دار هر با غیرتی است.»^{۲۷} و بلکه، او از هر غیوری غیرتمندتر است^{۲۸} و در تعدی بر حرمتش غضب می‌کند و عقاب می‌نماید^{۲۹}؛ نگاه خائنه و

^{۲۶}. اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... (نور/۳۵).

^{۲۷}. إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ [۲۰، صص ۲۲۹-۱۱].

^{۲۸}. الْمُؤْمِنُ يُغَارُ وَاللَّهُ أَشَدَّ غَيْرًا [۸، ص ۷۸۲].

بررسی جهان‌شناختی حجاب در ساختار اسماء‌الله از منظر آیات و روایات ۱۵

هر آنچه در قلب‌هاست در کمند صید آن علیم خبیر است و از آن بازخواست می‌کند.^{۳۰} و گرنه، نور به نورانیتش در خفا و حجاب نیست.^{۳۱} لازمه این غیرت، حفظ تجلی جمالی و ترسیم حدود بر اوست و رعایت حقوق آن بر مُتَمَنَّى مَظْهَر (اسم جلال) و حفظ آن وظیفه مُتَجَلَّى به (اسم جمال) است. لذا، اول بر مظاهر جلالش (مردان) فرمود: «به مردان با ایمان بگو: «دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه‌تر است، زیرا خدا به آنچه می‌کنند، آگاه است.»^{۳۲} و سپس بر مظاهر جمالش (زنان) فرمود: «و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را...»^{۳۳}.

نتیجه

از مباحث مطرح شده در مقاله حاضر می‌توان نتیجه گرفت که اولاً، انسان در نظام جهان‌شناسی اسلامی مقامی بس رفیع و بالمازاع دارد، اما این مقام بالقوه در نهاد او قرار داده شده است. ثانیاً، این مقام خلافت و "جا" نشینی خالق عالم است و تصدی چنین جایگاهی صرفاً در تجلی و تحقق اسماء‌الله که منشاء

^{۲۹} «عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ غَيْرِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنِ غِيَاثِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ عَلِيُّ ص إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ مِنَ الْمُؤْمِنِ فَلْيَعْرِ مَنْ لَا يَغَارُ فَإِنَّهُ مَنَكُوسُ الْقَلْبِ وَ فِي رِوَايَةِ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ عَلِيُّ ص يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ بُنِيتُ أَنْ نِسَاءَكُمْ يُؤَافِقُنَ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحْيُونَ وَ قَالَ ع لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَا يَغَارُ». حضرت امیر(ع) فرمود: خدا در امور مؤمن غیرت می‌ورزد، شایسته است که مؤمن نیز چنین باشد؛ پس هر که غیرت نورزد قلب و حقیقتش وارونه است. حضرت امیر(ع) به اهل عراق فرمودند: به من خبر داده شده که زنان و مردانتان در مسیر با هم برخورد می‌کنند، آیا حیا نمی‌کنید و فرمود خدا لعنت کند بر آن که غیرت نمی‌ورزد. [۷، صص ۱۱۵-۱].

^{۳۰} «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورِ (غافر/۱۹).

^{۳۱} در قیامت انسان‌ها می‌فهمند که خداوند، حق روشنی بود، ولی آن را نمی‌دیدند. گرچه حق در دنیا نیز روشن است؛ زیرا خدای سبحان که نور آسمان‌ها و زمین است، یعنی ظهور آسمان‌ها و زمین به اوست: (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ) ۱. حجابی ندارد و حرمان از شهود او بر اثر پرده‌ای است که انسان بر خود آویخته است ۲. از این رو قرآن کریم چشم‌های کافران جهنمی را در غطاء و حجاب می‌داند: (الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنْ ذِكْرِي) ۳. و چشم باطن گروهی را کور معرفی می‌کند: (لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ) [۱۱، صص ۴۱۱-۱].

^{۳۲} «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أُنْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...» (نور/۳۰).

^{۳۳} «وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَنْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ...» (همان/۳۱).

نظام آفرینش است، محقق می‌گردد. ثالثاً، هر اسمی در ساحت وجود انسان، از کمال بالقوه‌ای حکایت می‌کند که در صورت تحقق آن، مرتبه‌ای از کمال حقیقی او به منصبه ظهور و فعلیت می‌رسد. در این راستا، خدا، قرآن و انسان سه ضلع حقیقتی هستند که در آن، کمال انسان معنای حقیقی خود را می‌یابد [۱۷، صص ۱۶۹-۱۷۳]. رابعاً، حجاب - به معنای خاص آن - به مثابه ظهورش در آیات الهی حکایت از بُعدی از اسم الهی "الباطن" می‌کند و وضع آن در شکلی خاص برای زنان، ناشی از رابطه خاص حقیقت زن با این حقیقت است. هم چنان که اسم الله "الباطن" خدا را از دسترس هر نامحرمی پوشیده می‌دارد و بار یافتن به مراتب حریم الهی، نیازمند محرمیتی است که در طی مسیر کمال معنا می‌یابد، حجاب نیز، زن را در پرده غیب می‌نشانند و او را از دستبرد هر نامحرمی صیانت می‌کند و گشوده شدن آن برای کسی، نیازمند یافتن کمالی در شخص متقاضی و در شأن کسی است که تمنای وصل او را دارد، تا اذن ورود به حریم آن زن معنا یابد که از آن در آموزه‌های دینی به "اصل کفویت" نام برده‌اند. این اذن، هم چنان که در بارگاه الهی توفیقی ربانی است، در زندگی زن نیز اذن ورود به حریمش با خود اوست و بی اذن او ورود، ناممکن. از سویی دیگر، چون این حق، تجلی اسمایی و از حقوق الهیه است، هیچ زنی مجاز به تخریب آن - که در حقیقت حریم الهی است - نمی‌باشد. در غیر این صورت، هم او و هم متعدی به حریم الهی، مشمول غضب غیرت الله خواهند شد؛ هم چنان که صیانت از آن، شخص را مشمول رحمت واسعة الهی می‌گرداند.

زنان مسلمانی که تشرف به این مقام الهی را آن چنان که شایسته مقام آسمانی آنان است پاس بدارند، اسمی رفیع از اسمای الهی را در خود به فعلیت رسانده و با حجاب خود آینه تمام نمای اسم الله مصون غیب می‌گردند. همچنان که مردان نیز در این قالب، تجسم عینی غیرت الهی شده و حریم خدا را حرمت می‌نهند.

منابع

[۱]. قرآن کریم.

[۲]. نهج البلاغه.

[۳]. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*، قم: جامعه مدرسین.

[۴]. ابن عربی، محی‌الدین (بی‌تا). *الفتوحات المکیه* (چهار جلدی)، بیروت: دار صادر.

بررسی جهان‌شناختی حجاب در ساختار اسماء‌الله از منظر آیات و روایات ۱۷

- [۵]. ----- (۱۳۷۰). *فصوص الحکم، انتشارات الزهراء (س): بی‌جا.*
- [۶]. ایزتسو، توشیهکو (۱۳۷۹). *صوفیسم و تائوئیسم، (ترجمه دکتر محمد جواد گوهری)، تهران: انتشارات روزنه.*
- [۷]. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). *المحاسن، قم: دارالکتب الإسلامیة.*
- [۸]. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، تهران: دنیای دانش.*
- [۹]. جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۰)، *تقد النصوص فی شرح نقش الفصوص، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.*
- [۱۰]. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). *سیره رسول اکرم(ص) در قرآن، قم: انتشارات اسراء.*
- [۱۱]. ----- (۱۳۸۸). *تفسیر تسنیم، قم: انتشارات اسراء.*
- [۱۲]. ----- (۱۳۸۹). *تفسیر تسنیم، قم: انتشارات اسراء.*
- [۱۳]. ----- (۱۳۷۴). *زن در آینه جلال و جمال، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.*
- [۱۴]. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق.). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البتین علیهم‌السلام.*
- [۱۴]. صادقی، هادی (۱۳۹۱). *جنسیت و نفس، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان حوزه علمیه قم.*
- [۱۵]. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳). *شرح أصول الکافی (صدر)، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.*
- [۱۶]. غزالی طوسی، محمد (۱۳۷۴)، *کیمیای سعادت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.*
- [۱۷]. فیروزی، رضا (۱۳۸۱). *معارف اسلامی مبتنی بر رویکرد فرآیند مدار، قم: انجمن معارف اسلامی ایران.*
- [۱۸]. قونوی، صدرالدین (۱۳۸۸). *فکوک، مقدمه و تصحیح و ترجمه و تعلیق محمد خواجه‌جوی، تهران: انتشارات مولی.*
- [۱۹]. قیصری رومی، محمد داود (۱۳۷۵). *شرح فصوص الحکم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.*
- [۲۰]. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق.). *الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة.*
- [۲۱]. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق.). *بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الاثمه الاطهار، البیروت: مؤسسه الوفاء.*
- [۲۲]. مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۷۵). *مثنوی معنوی، (تصحیح رینوالد نیکلسون تطبیق عباسعلی رضایی)، تهران: انتشارات بوته.*

[۲۳]. Chittick, William C. (1984). *The Chapter Headings Of The Fusûs*, First published in the Journal of the Muhyiddin Ibn 'Arabi Society, Vol. II.

۱۸ زن در فرهنگ و هنر، دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱